

## یادداشت‌هایی درباره نقش قهر در تاریخ

مارکسیسم به نقش قهر در تاریخ بشابه مامای پروسه‌هایی که مقدار است زایشده شود، بشابه تسارع تغییراتی که تحقق آنها ضرور شد، معتقد است و آموزش‌هایی از قهیل "عدم مقابله شتر با شتر" و مطلق کردن حرکت تدریجی (Gradualisme) و شیوه رفرمیستی و پاسیویسم را رد میکند بدون آنکه رفرمیسم و شیوه تدریجی را در جای خود بشابه یکی از وسائل تحول اجتماعی قبول نداشته باشد. لنین تصریح میکند: باید دانست در کجا باید بشیوه انقلابی رفتار کرد و در کجا بشیوه رفرمیستی. مارکسیسم، هومانیزم عالی عصر ماست و لذا اعمال قهر را نیز مطلق نمیکند و حتی عادتاً از آن کراهت دارد و برانست که اگر حل مسأله از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز ممکن باشد باید آنرا بر شیوه‌های قهرآمیز، علی‌رغم بخرنج و طولانی‌تر بودن آن مرجح دانست ولی مارکسیسم باین شعار کاندیسم باورند ارد که "اعمال قهر بیش از آن مسائل و عیب‌ها را ایجاد میکند که قادر است حل کند"، بلکه برانست که اگر اعمال قهر در جای خود باشد بیش از آن مسائلی را حل میکند که ایجاد مینماید.

بتاریخ بشر بنکریم: جنگ‌ها و قیام‌ها، شیوه‌های اجبار و اشکال دیگر اعمال قهر هم در تحول نظام اجتماعی و هم در اداره جامعه نقش انکارناپذیر داشته است. حرکت عظامی نه در طبیعت و نه در جامعه همیشه تدریجی و تلفیقی نیست، بلکه ای چه بسا ترقی و انفجاری است. ولی چون افراد اندکی در شهت انقلابی مهین ما نبودند و نیستند که شیوه قهر و اجبار در مورد تحول اجتماعی و رهبری جامعه را مطلق میکنند یا تقریباً مطلق میکنند، بی‌شعر نمیدانیم برخی نکات در این باره روشن شود:

(۱) قبول ضرورت بکار بردن اعمال قهر (در مقابل شیوه مسالمت‌آمیز) و اجبار (در مقابل اقتناع) معیار تشخیص یک انقلابی از یک رفرمیست است. این یک مسئله مهم اصولی در آموزش انقلابی مارکسیستی - لنینیستی است. کسی که شیوه اعمال قهر و اجبار را بطور کلی رد کند، یک انقلابی، یک مارکسیست - لنینیست نمیتواند باشد.

(۲) ولی مارکسیسم - لنینیسم این دو شیوه را نه فقط مطلق نمیکند بلکه کاربرد دو شیوه مسالمت‌آمیز و اقتناع را، هر جا که میسر باشد، بر کار بردن دو شیوه قهرآمیز و اجبار مرجح میدانند. لنین توصیه میکند که باید

باوسواس تمام از کلبه امکانات سیرسالمت آمیز و شیوه د مکرراتیک انتفاع و تجدید تربیت استفاد ه نمود . این امر نمود ارمهیت هومانیمستی مارکسیسم است . انکار این نکته نیز در حکم انکار هو ما نیسم ما رکسیستی است . کسی که شیوه قهرآمیز یا اجبار را مطلق کند و یا برای آن نقض عد ه قائل شود بنه خود یک مارکسیست لنینیست واقعی نیست .

(۳) لذا امکان بردن شیوه های قهر آمیز و اجبار در تحویل و اداره اجتماع فقط در صورت ضرورت علی و ناگزیری آن و امکان علی و تمخشی آن رواست و بعضی آنکه ضرورت و ناگزیری آن از میان رفت باید این شیوه را با تمام عواقب و عوارض ناشی از آن کنار گذاشت .

(۴) از آنجا که در تاریخ پیوسته د وضع گرایش رشد وجود دارد ، حزب انقلابی طبقه کارگر باید پیوسته برای د امکان آماده باشد و انضباط و وحدت در روش و روحیه انقلابی را در سطحی نگاه دارد که بتواند نقش پشاهنک خود را در نبرد قهرآمیز و در فرارز و نشیب د شو را آن ایفا کند .

(۵) در جوامعی که در آن امکانات د مکرراتیک مبارزه وجودند ارد و راه مبارزات عادی سدود است ه ضرورت بکار بردن شیوه های قهرآمیز برجستگی ویژه ای کسب میکند . این امر هست غیر قابل انکار ، ولی در این شرایط نیز اعمال قهر تنها با تکیه اراده و احساس پشاهنکان ، یاد رنتجه شنا بزدگی و بخیال تسریع زاهد جریان ، یک ماجراجویی است . لنین توصیه میکند : باقیام بازی نکنید . لازمه دست زدن بستا کتیک قهرآمیز وجود شرایط عینی و ذهنی ضرور است .

(۶) مارکسیسم نسبت به سیر مشخص و درنمای اقدامات قهرآمیز نیز بی اعتنائیست . شعار رسیدن به هدف بهر قیمت شعار مارکسیستی نیست . هو ما نیسم ما رکسیستی مصلحتد که (جز در موارد استثنائی که دادن تلفات بهر میزان و مبارزه بهر قیمت شرط حفظ شرف و هدف است) ، بین هدف و قربانی تناسبی باشد . تا ریخ در تحویل است و گاه عقب نشینی و ترسند فعال ، شرایط مساعد تر مبارزه را در دسترس قرار میدهد . در این شرایط میتوان با قربانی میراتب کمتر بطرف هدف رفت . احتراز از دادن قربانی ، ترس از مرگ ، ترس از تلفات ، ترس از شکست شیوه یک انقلابی نیست . برعکس بی اعتنائی به تلفات ، بهد ر دادن بدین مسئولیت کادرها و نفرات ، بی پروایی و ماجراجویی قهرمان منشانه ، کیش زیامردن نیز شیوه یک مارکسیست نیست .

چنین است احکام . روشن است که ماهیت انقلابی یک حزب باید که مبارز را بعد بی احکام صحیح روشن نمیسازد ، بلکه کیفیت انطباق این احکام د ر عمل روشن میکرد از . ایجاد یک تاریخ باید قضاوت کند و تاریخ قضاوت خواهد کرد .